

من و تو و او

محمد رضا پهلوان
(عرشیا جاوید)

www.ketab.ir





مِنْ وَ تَوْ وَ او

نویسنده: محمدرضا پهلوان (عرشیا جاوید)

طراح جلد و صفحه‌آرا: سحر لطفی

ویراستار: سحر لطفی

ناشر: نامه مهر

شمارگان: ۱۰۰

تماس: ۰۹۱۲۵۸۷۶۳۹۸

پیام رسان: ۰۹۳۵۵۰۳۹۵۵۸

اینستاگرام: Nameye_mehr

پست الکترونیک: NameyeMeh@yahoo.com

سرشناسه: پهلوان، محمدرضا، ۱۳۷۷-

عنوان و نام پدیدآور: مِنْ وَ تَوْ وَ او / محمدرضا پهلوان (عرشیا جاوید)؛

ویراستار سحر لطفی.

مشخصات نشر: تهران: نامه مهر، ۱۴۰۰.

مشخصات ظاهری: ۴۴۶ ص.

شابک: ۷-۵۳-۷۴۷۳-۶۲۲-۹۷۸:

وضعیت فهرست نویسی: فیا

موضوع: داستان‌های فارسی -- قرن ۱۴

موضوع: 20th century -- Persian fiction

رده بندی کنگره: PIR۸۳۳۶

رده بندی دیویی: ۸۱۳/۶۲

شماره کتابشناسی ملی: ۷۶۳۶۴۶۱

وضعیت رکورد: فیا

مقدمه

سپاس خدایی را که بدون پیشی، پیش از پیش بوده و بدون بعدی، بعد از هر بعدی خواهد بود. پایانش را سرانجام و پایانی نیست و پایان‌ها نزد او از هم گسیخته شوند. دست‌آویزی ندارد که او را نگه‌دارد و او همه چیز را با دست‌آویزشان نگه‌می‌دارد. نه او در آفریده‌اش و نه آفریده‌اش در اوست!

دل بستن به افراد، امری نهادین در وجود هر انسانی است. بسیار معدودند انسان‌های صحیح‌المزاجی که در عالم وجود، به هیچ بنی بشری علاقه‌ای ندارند و پیدا نخواهند کرد. در مقابل، شگفت‌آور نیست اگر در فهرست دوست‌داشتگان، قلبان تنها برای یک نفر بتپد و او تمام هستی و دارایی‌تان گردد.

یک نفر در زندگی همه‌ی ما حضور دارد که بودنش بیش از دیگر عزیزان، مایه‌ی شادکامی، دلیل لطافت و رقت قلب، بهانه‌ای برای دوام حیات و سبب بقای آسایش و دل‌رامی‌هایمان است. به خاطر وجود اوست که بساط خندیدن و شکفتن، همواره برپاست و تنها به خاطر او، دردها و رنج‌ها قابل اغماض

می‌گردند! اوست که عذرهای را موجه می‌کند و به واژه‌ی عشق معنا می‌بخشد.
 هر کسی برای نفس کشیدن، مُستَمسکی دارد و برای برقراری‌اش در فراز و
 نشیب‌ها بهانه‌ای! بهانه‌ی حیات شما کیست؟!
 لطفاً پیش از قرائت رمان، این مطلب را مطالعه فرمایید.

راهنمای رمان

۱- رمان در دو بازه‌ی زمانی گذشته و حال حاضر به نگارش درآمده است.
 راوی داستان، هنگامی که به گذشته بازمی‌گردد و خاطراتش را مرور می‌نماید،
 از افعال گذشته استفاده کرده است. مگر در برخی موارد اندک که از زبان حال
 حاضر سخن می‌گوید.
 ۲- اساس رمان، زمان حال حاضر می‌باشد و راوی در این زمان از افعال حال،
 بهره گرفته است. لکن به سبب اینکه استفاده‌ی مکرر و طولی‌وار از افعال حال،
 رمان را نامرغوب و بدخوانش می‌کند، نویسنده در قسمت‌هایی از متون رمان
 (زمان حال حاضر)، برخی از فعل‌های گذشته را نیز به کار برده است. این بدین
 معناست که خواننده گاه در همان ثانیه همراه با راوی داستان پیش می‌رود و گاه
 چند قدم از راوی جا می‌ماند. (وجود فعل گذشته در زمان حاضر نشان می‌دهد
 که خواننده رویدادهای ثانیه‌های گذشته‌ی راوی را قرائت می‌کند و زمانی که به
 افعال حال می‌رسد، به همان لحظه‌ی روایت راوی رسیده است!)

۳- این رمان دیالوگ محور است. از هرگونه توصیف اضافی و زائد که آن
 را شبیه به کتب ادبی برخی از نویسندگان مشهور می‌نماید (و کتاب را قطورتر
 می‌کند)، پرهیز شده است. در طی یک نظرسنجی، اکثر خوانندگان بر این

عقیده بودند که هنگامی که به صفحات وصفی می‌رسند، بدون قرائت، از آن‌ها می‌گذرند زیرا فکر می‌کنند حوصله سربر هستند! همچنین نویسنده، دست خوانندگان گرمی را برای وصف کردن به دلخواه از سر سلیقه و دیدگاه شخصی، باز نگه داشته است.

۴- وجود نشانه‌ی سه نقطه (...) در میان دیالوگ‌ها (در بین جملات یا کلمات) بدین معناست که خواننده بایستی لختی مکث کند و جمله یا کلمه‌ی بعدی را بخواند. همچنین حضور سه نقطه در پایان دیالوگ‌ها خواننده را رهنمون می‌کند که گفتار، ناتمام رها شده یا شخص دیگری وسط سخن پریده است! (وجود سه نقطه در میان یا پایان مصاربع و ابیات یک شعر، راهنمایی‌ست برای آهنگین‌تر خواندن آنها!)

۵- تمامی تفکرات، دیدگاه‌ها، عقاید و باورهای راوی مربوط به سرشت و فطرت خود اوست. نویسنده، افکار خود را از ذهن راوی جدا نموده و داستان یکی از اشخاص را (که از بردن نام حقیقی‌اش معذور است) بدون هیچگونه تعصب و خشکاندیشی در قالب رمان نگاشته است.

۶- این رمان مانند بسیاری از رمان‌های دیگر به تمامی سؤالات و اباهیم (ابهام‌ها) خوانندگان پاسخ نداده و باقی‌مانده‌ها را به جلد دوم (در صورت استقبال و التفات) موکول کرده است.

بدیهی‌ست که هیچ اثری، بی‌عیب و نقص نیست و نخواهد بود. نویسنده‌ی رمان از خوانندگان عزیز و محترم که منت می‌نهند و بخشی از وقت گرانبهایشان را صرف خواندن کتاب می‌کنند، صمیمانه و خاضعانه سپاس‌گزار است.